



تطور اندیشه‌های فقهای شیعه پیرامون قدرت سیاسی

حسن عباس زاده^۱
حسین احمدی^{۲*}
محمد رضا جواهری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

چکیده

در فقه اسلامی یک موضوع بسیار مهم تحت عنوان حکومت اسلامی وجود دارد که وجه تمایز احکام شریعت اسلام نسبت به سایر ادیان می‌باشد. در واقع، در تعالیم و آراء فقهای اسلامی، به واسطه شناسایی حکومت اسلامی، مفهوم قدرت سیاسی مورد شناسایی قرار گرفته است. در این میان، فقهای شیعه به دلیل شرایط سیاسی-اجتماعی خاص از زمان صدر اسلام تا تشکیل اولین حکومت‌های شیعه از پرداختن به موضوع قدرت سیاسی در قامت یکی از موضوعات اساسی و اصلی فقه شیعه احتراز می‌کردند. اما پس از تشکیل حکومت‌های شیعه، موضوع قدرت سیاسی با مرور زمان تبدیل به یکی از مسائل مهم در حوزه فقه سیاسی شد. هدف از پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده این است که مفهوم قدرت سیاسی در اندیشه فقهای شیعه را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. در نهایت با توجه به سیر تطور اندیشه‌های شیعه شاهد آن هستیم که در فقه سیاسی شیعه به سبب باز بودن باب اجتهاد از ابتدا تا کنون، همواره ساز و کارهایی نوین برای زمامداری قدرت در جامعه وجود داشته و پس از معصومین (ع) با توجه به شرایط گوناگون تاریخی فقهای دیگر و عالمین اسلامی پیرامون قدرت سیاسی نظریاتی متنوع را مطرح نموده اند.

واژگان کلیدی: قدرت سیاسی؛ حکومت اسلامی؛ فقه شیعه؛ اجتهاد

مقدمه

^۱ دانشجوی دکترای گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. ha_aba1351@yahoo.com
^۲ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول و استاد راهنما): amari.hoosein@yahoo.com
^۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (استاد مشاور): javaheri@um.ac.ir

واژه قدرت در اصل از ماده قدر در زبان عربی به معنای ظرفیت و حد نهایی کامل هر چیزی گرفته شده است. و در فارسی، قدرت را در معنی مصدری در مفهوم توانایی داشتن و توانستن و به‌عنوان اسم مصدر در مفهوم توانایی معنا نموده‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۵: ۱۲۷۰) راغب اصفهانی در بیان مفهوم قدرت می‌گوید: قدرت هرگاه در توصیف انسان به کار رود به معنی حالتی است که با آن انسان به انجام کاری موفق می‌شود. ولی اگر به‌عنوان وصفی برای خدا به کار رود به این معناست که او از انجام هیچ کاری عاجز نیست. (راغب اصفهانی، ۱۳۹۶: ۶۳۱) قدرت، امکان و توانایی اثرگذاری، پذیرش و تسلیم آفرینی در دیگری می‌باشد، و از همین رو مفهومی مترادف با سلطه دارد (قائم‌مقامی، ۱۳۷۹: ۸۷). قدرت در لغت قرآنی به این معناست که خداوند در اموری داوری می‌کند و حکم می‌کند. شب قدر نیز از همین لغت است، این لغت با «علی» متعدی می‌شود که به معنای تمکن بر امری است. واژه قدرت دارای مفاهیم گسترده و عمیقی در علوم مختلف است. مثلاً قدرت سیاسی که از شاخص‌ترین منابع اصلی قدرت ملی محسوب می‌شود، شامل، ساختار سیاسی یک کشور و چگونگی تعامل مردم با حکومت است، همچنین تعیین‌کننده شیوه سیاست‌گذاری در روابط خارجی بوده که به تبع آن راهکارهای قانون‌گذاری و دیپلماسی را در تمام ابعاد مشخص می‌کند. در نتیجه قدرت سیاسی را نخست می‌بایست در توانمندی یک کشور در حوزه روابط داخلی خود تعریف کرد (صحراگرد، ۱۳۸۶: ۹۳). اما آنچه در اینجا به بیان آن خواهیم پرداخت مفهوم قدرت در علوم سیاسی است که با پیوند قدرت سیاسی در جامعه اسلامی، ویژگی‌های خاص خود را به نمایش گذاشته است.

پرسش اساسی که در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که، مفهوم قدرت سیاسی در اندیشه فقهای شیعه چگونه و دارای چه جایگاهی می‌باشد؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت این است که، با توجه به سیر تاریخی اسلام از آغاز تا به امروز، در هر جامعه اسلامی مفهوم قدرت پیوند عمیقی با حاکمیت داشته اما نظرات مختلف فقها و اندیشمندان این حوزه در طول شکل‌گیری هر حکومت اسلامی متفاوت بوده است. اکنون با توجه به مهم‌ترین دوره‌های اسلام و بیان کردن نظریات هر یک از فقها در دوره‌های مختلف درصدد آن خواهیم بود که جمع‌بندی منطقی و عقلانی پیرامون تفکرات قدرت در هر یک از دوره‌های مذکور را بیان کرده تا از اقوال گذشته چگونگی سیر تطور فکری و منطقی فقهای شیعه در خصوص قدرت سیاسی حکومت‌ها و ارزش‌های آن مشخص شود.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به مقاله ندائی تحت عنوان «تحدید حوزه قدرت سیاسی براساس فقه سیاسی شیعه» اشاره کنیم. از نظر نویسنده، قدرت سیاسی، گرچه لازمه زندگی

بشر است اما فساد آور می‌باشد و حاکم به حکم انسان بودن مصون از خطا نیست. صرف این ویژه گی ها مانع بهره برداری صحیح از قدرت نمی‌شود و در اعصار مختلف عواملی در صدد تحدید قدرت سیاسی بدین منظور بوده اند. تناقض مذکور نیازمند ساز و کاری جهت نیل به اهداف عالی جامعه بواسطه قدرت سیاسی است تا از انحرافات و ضررهای آن جلوگیری شود. اینکه قدرت محدود است حتی قدرت برگزیده گان خداوند ریشه در نگاه خداوند و اسلام به بشر دارد؛ زیرا جایگاهی که اسلام برای بشر متصور است با قدرت نامحدود و غیر الهی سازگار نیست. انسان جانشین خداوند است و عزت او محفوظ؛ لذا قدرت نامحدود برای کرامت و عزت انسان مضر است و چه بسا او را از عزت و کمال دور می‌کند. حرکت بسوی کمال، پیش بینی و جعل قوانینی را می‌طلبد تا این حرکت در چهارچوب صحیح انجام پذیرد، نه صرف تصمیم گیری مطابق شرایط.

اغلب پژوهش‌های موجود حول محور فقه سیاسی و آداب حکومت تمرکز دارند و یا به صورت معدود به تعیین قلمرو قدرت سیاسی پرداخته‌اند؛ در نتیجه پژوهشی که به صورت تفصیلی و جامع مفهوم قدرت سیاسی را به تفکیک در اندیشه فقهای شیعه مورد بررسی قرار داده باشد، صورت نگرفته است.

۱- قدرت سیاسی

قدرت روح رژیم سیاسی است و این مفهوم تنها در بیکره جامعه سیاسی تشکیل می‌شود. در حقیقت بدون وجود جامعه هرگز مفهومی پیرامون قدرت و به خصوص قدرت سیاسی وجود نخواهد داشت. به سخنی دیگر قدرت مجموعه‌ای از عوامل است که در پی کسب آن می‌توان قابلیت به اطاعت درآوردن شخص یا جامعه‌ای توسط شخص یا جامعه‌ای دیگر را کسب نمود، اگر چه این شخص یا جامعه کوچک باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۳۶۵) از آنجا که بحث پیرامون قدرت سیاسی از گذشته مطرح بوده در دوره‌های مختلف گروه‌هایی در پی به دست آوردن یا کنترل آن بوده اند که از طریق آن بتوانند جامعه را محدود یا مدیریت کرده و به اهداف گروهی یا شخصی خویش برسند. بنابراین قدرت سیاسی توانمندی اجتماعی است که اثرگذاری بر رفتار دیگران را به دنبال داشته و منشأ تغییرات و دگرگونی‌های خرد و کلان در جامعه می‌شود. لذا تصاحب وسایل تولید، دستیابی به قدرت سیاسی را به دنبال دارد و سر انجام مبارزه طبقات است که سرنوشت قدرت سیاسی را مشخص می‌کند. (قائم‌مقامی، ۱۳۷۹: ۸۷). متفکران سیاسی غرب معتقدند قدرت سیاسی، توانایی نهایی کنترل رفتار و اعمال دیگران است. کیفیت رهبری، شکل حکومت و ساختار حکومت از جمله عواملی هستند که همواره در فرایند پیچیده قدرت سیاسی اثر گذار بوده اند.

قدرت سیاسی از منابع اصلی قدرت ملی محسوب می‌شود که شامل سیاست عمومی، ساختار سیاسی یک کشور، ابعاد تعامل مردم با حکومت، دیپلماسی و روابط خارجی، توانمندی مدیریت و رهبری کلان، ساختار تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری مترقی، می‌باشد. اساس سیاست، تصمیم‌سازی است و استمرار سیاست، اجرای آن تصمیم‌هاست. در نتیجه قدرت سیاسی را باید ابتدا در توانمندی یک کشور و جامعه در حوزه تصمیم‌سازی و چاره‌اندیشی دانست زیرا جامعه و کشوری که بی تصمیم و بی‌چاره باشد فاقد قدرت سیاسی است. (صحرارگرد، ۱۳۸۶: ۹۳).

۲- شیعه

برای واژه شیعه در فرهنگ‌های لغت معانی نسبتاً مشابهی آورده شده است. برخی آن را فرقه یا گروه و در برخی دیگر هواداران و همراهان و یا در مفهوم اشاعه‌کنندگان آورده‌اند. در مفهوم لغوی، به جماعتی اطلاق می‌شود که از فرد دیگری پیروی کرده یا با او همکاری می‌کند. همچنین در لغت، به معنای «پیرو و تابع» است و در اصطلاح به کسانی گفته که جانشینی پیامبر اکرم \square را حق اختصاصی خاندان پاک رسالت دانسته و در اعتقادات و احکام و سایر معارف اسلامی، پیرو مکتب اهل بیت آن حضرت می‌باشند.

اینجا آنچه ضروری است عقیده ویژه مذهب شیعه است که بر آن، پا می‌فشارد و نیل به اسلام ناب و اصیل و نیز ایمان نجات‌بخش را بدون آن میسر نمی‌داند که دلایلی بر حقانیت این مذهب هم هست که عبارت‌اند از: ۱- دلایل عقلی ۲- نصوص قرآنی ۳- روایات، که مجال ذکر آن‌ها نیست. (نمایندگی ولی فقه، بیتا: ۱۴۵).

۱-۲- شیعه در اصطلاح

از شیعه یک تعریف عام و خاصی ارائه شده:

۱- تعریف عام:

برای شیعه تعاریف مختلفی در طول تاریخ اسلام شکل گرفته که برخی از آن‌ها به اختصار

بیان می‌شود:

- کسی که معتقد است به تقدم و افضلیت امام علی؛ بر سایر صحابه و نیز قائل به وجود

نصّ بر امامت او باشد. (شیخ مفید)

- کسی که جانشینی پیامبر را مختص خانواده رسالت می‌داند و در معارف و شؤون اسلامی

پیرو مکتب اهل بیت است. (علامه طباطبایی)

۲- تعریف خاص:

مرحوم شیخ مفید در تعریف شیعه در امامیه سه مشخصه را لازم دانسته است و فرموده: اولاً به وجوب امامت و وجود آن باور قلبی داشته باشد. دوماً نصّ جلیّ بر امام و عصمت و کمال را، بر وی واجب بداند. سوماً به تداوم و انحصار امامت در فرزندان امام حسین(ع) معتقد بوده و سلسله امامت را به امام رضا(ع) پیوند دهد. زیرا اهل شیعه، به سلسله امامت شیعی تا امام هشتم عقده راسخ داشته و پس از او به تداوم آن تا امام زمان نیز معتقدند. (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۲۱)

۲-۲- ورود فقهای شیعه در امور حکومتی و سیاسی

از ابتدای شروع حکومت اسلام اندیشه سیاسی شیعه به دو قسمت کلی تقسیم شده است. دوره نخست زمانی است که در آن دوره امام معصوم میان مسلمانان حاضر بوده و امور حکومتی نیز با نظر معصومین همراه بوده و یا مشورت امور سیاسی با همفکری ایشان صورت میگرفت. اما دوره بعدی پس از غیبت امام عصر شروع شد که با توجه به نیاز جامعه در بحران‌های مذهبی و یا سیاسی موجب روی کار آمدن فقهای عالم شیعه و استفاده از نظراتشان در امور حکومتی و یا به بیان دیگر سبب شکل‌گیری فقه سیاسی شد. بدین جهت از لحاظ تکامل و گسترش قضایای مربوط به فقه حکومتی اسلام و چالش‌های تاریخی که بر آن گذشته است، این امر از لحاظ تاریخی حائز اهمیت ویژه‌ای است. این دوره از ابتدای روی کار آمدن دولت شیعه در عصر صفویان تا انحلال این دولت و روی کار آمدن سلسله‌های زندیه و قاجاریه را در بر گرفته است. در این عصر چهره‌های برجسته‌ای از فقها و مجتهدین شیعه در صحنه‌های سیاسی وارد شدند و حتی برخی از آنان نظیر علامه محمدباقر مجلسی صاحب بحارالانوار، به عناوین بزرگ حکومتی مثل وزارت سلاطین عصر خویش نیز رسیدند. از دیگر نفرات شاخص این دوره می‌توان به محقق ثانی، محقق کرکی، شیخ بهایی، علامه مجلسی و میرداماد اشاره کرد که در صحنه سیاسی جامعه خود با فعالیت چشم‌گیری حضور داشتند. به‌گونه‌ای که علامه مجلسی به مقام وزارت رسید. و محقق ثانی، ولایت امور شرعی و احوالات شخصیه در داخل حکومت شاه‌طهماسب صفوی را عهده دار بود. (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۲۱)

۳- عصر فقهای اقدم

این دوره از تاریخ به سبب وجود اولین دوره‌ای که جامعه سیاسی اسلامی از وجود معصومین خالی بود اهمیت ویژه‌ای داشت، زیرا ریشه اعتقادات و علوم اسلامی در شکل‌گیری فقه سیاسی موجب شد سیر تفکری که امروزه بر سیاست شیعه برقرار است تشکیل شود. این دوره از قرن چهارم هجری آغاز شد و حدوداً تا قرن دهم نیز ادامه داشت. لیکن از این جهت که اصلی‌ترین موضوع این دوره پذیرش مسئولیت توسط فقیه بود، نظرات گوناگونی نیز مطرح گردید. آنگونه که برخی فقیهان عقیده داشتند اگر برای اجرای ولایت مسندی از حکومت جور پذیرفته شود بلاشکال است اما در سوی دیگر فقیهانی بودند که تا حد امکان با توجه به مقتضای جامعه به وظائف خود عینیت می‌بخشیدند. از مشهورترین فقهای شیعه این عصر می‌توان به علامه حلی یا سید بن طاووس که در دستگاه حکومت علویان بود اشاره کرد.

۳-۱- شیخ کلینی

محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی مشهور به شیخ المشایخ از نخستین محدثان امامیه و مؤلف کتاب الکافی است که در دوران غیبت صغرا می‌زیسته است. کتاب الکافی یکی از کتب چهارگانه است که فقیهان برای استنباط احکام به آن استناد کرده‌اند. آنچه در تبیین فقه حکومتی و سیاسی از منظر کلینی می‌توان گفت؛ ناظر به نحوه تدوین این کتاب است. از نخستین کسانی است که در آثارش، بخشی مستقل را به گردآوری و نقل و تدوین احادیث مربوط به امامت و ولایت اختصاص داده است. شیخ کلینی در بخش‌های گوناگون فروع کافی، نمونه احادیث بسیاری در زمینه لزوم تأسیس حکومت اسلامی و مسائلی که بدون ایجاد حکومت اسلامی قابلیت اجرا ندارد را مطرح نموده است. همچنین در خصوص امر به معروف و نهی از منکر، حدود و تعزیرات، قضاوت و مسائل سیاسی، اجتماعی نقل و تدوین نموده که مآخذی مهم در باب فقه حکومتی است. (صلواتی و منتظری، ۱۳۸۷: ۱۹).

۳-۲- شیخ صدوق

محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق از اندیشمندان بزرگ اسلامی است که بیشتر نوشته‌های خویش را بنا به درخواست اهالی علم یا مردم عام نوشته است، لذا شیوه ایشان بر پایه نیازهای جامعه اسلامی بوده از این جهت شناخت احکام دینی و اصول صحیح شناخت دینی را در کتب فقهی و فتوایی خود مد نظر داشته، ایشان مسائل مربوط به فقه حکومتی را در

کتاب "المقنع" و کتاب "الهدایة بالخیر" بیان کرده. مطالعه آثار شیخ صدوق از این جهت حائز اهمیت است که موجب انعکاس باورهای شیعه با توجه به قرآن و سنت بوده بدون آنکه تحریفی در آنها به وجود آید. در این دوره با توجه به شرایط غیبت و وجود سوالات اساسی پیرامون حکومت سوالات بسیاری به وجود آمد که از مهم ترین آنها حیطه‌ای بود که فقها در این زمان باید بدان مشغول شده و موجبات خاص زمان خویش را پاسخگو باشند.

۳-۳- شیخ مفید

محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید در قالب علم کلام به بسیاری از مسائل تشکیل حکومت اسلامی و فقه مربوط به آن پرداخته است. آراء و فتاوی شیخ مفید در زمینه مسائل حکومتی را می‌توان تحولی بزرگ در تاریخ فقه امامیه تلقی کرد. نظرات وی درباره شئون اجتماعی، سیاسی، قضایی و نظامی که فقها باید در جامعه عهده‌دار آن باشند، بسیار صریح است. و در مقایسه با فتاوی اندک شیخ صدوق، محتاطانه و همراه با تقیه بود، از این جهت یک تحول و شاید نخستین تحول فقها پس از آغاز غیبت کبرا باشد. (صلواتی و منتظری، ۱۳۸۷: ۱۷). شیخ مفید در تلاش بود که در تمام صحنه‌های اجتماعی و سیاسی زمان خود حضور داشته باشد و تا حد ممکن، به مسئله ولایت‌فقیه و لزوم تأسیس و حکومت اسلامی در کتاب‌های خود اشاره نموده و بر مؤمنین واجب کرده است که اگر چنین تشکیلاتی توسط فقهای واجد شرایط پدید آمد، آن تشکیلات و حکومت را یاری رسانند. عصر شیخ مفید، از شکوفایی اندیشه‌های کلامی و مبانی فقه حکومتی شیعه است. ایشان معتقد است: که ولایت در زمینه مربوط به قضا، اجرای حدود و تدبیر امور مسلمین و تأسیس حکومت، بالاصاله از آن سلطان اسلام است از جانب خدا تعیین شده باشد. و در زمان غیبت حضرت صاحب امر، این اختیارات و ولایت‌ها از جانب آن حضرت به فقهای شیعه تفویض گردیده است.

۳-۴- سید مرتضی

علی بن حسین، ملقب به سید مرتضی و علم الهدی از بزرگان فقهای امامیه و یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان شیعه امامیه است که در سال ۳۵۵ قمری متولد شد. او آقای عالمان امت، زنده کننده آثار ائمه و مشهور به سید مرتضی (لقبی که آن را از جدش حضرت علی در یک رویای صادقانه دریافت داشته است) (قمی، ۱۳۹۲: ۴۸۰). سید مرتضی در کتاب مختلفی فقهی و کلامی خویش به‌ضرورت امامت و ریاست در جامعه پرداخته است. او برای این ضرورت، دلیل عقلی اقامه می‌کند: امامت همان فرض الطاعه بودن و امرونی نفاذ داشتن است.

در تدبیر امور جامعه، وجود یک رئیس و رهبر که دارای شرایط خاص باشد و از عهده امور جامعه برآید ضروری است. ضروری است اگر جامعه‌ای از وجود یک رئیس پرهیزگار، بانفوذ کلمه و مقتدر که گناهکار را تأدیب نماید، محروم باشد؛ در آن جامعه شاهد ستم عده‌ای بر مردم و انجام اعمال قبیح دیگر خواهیم بود؛ در اینجا ضروری است که خداوندی که از بندگان، انجام واجبات و ترک محرّمات را خواسته، به آن‌ها لطف کرده و قانون و مجری قانونی تعیین نماید تا مردم جامعه را از مضرات جامعه بی‌قانون در امان بمانند. بدین ترتیب ضروری است که مردم هیچ عصری بدون رئیس و رهبر نباشند. از نظر امام و رهبر جامعه باید از شرایطی چون عصمت و منصوب بودن از جانب خدا و پیامبر، افضل بودن و عالم بودن برخوردار باشد. (رجایی، ۱۴۰۵: ۳۹).

۳-۵- شیخ طوسی

شیخ طوسی در حفظ و تداوم فقه حکومتی اسلام فردی مؤثر بوده است. اگر چه او نظریه‌ای در باب فقه حکومتی نداشت اما نظیر اشخاصی چون شیخ مفید در آثار خویش به مسئله ولایت فقیه و فقه سیاسی اسلام پرداخت. او در "تهذیب الاحکام" نگارش فصلی مختص روایات مربوط به ولایت فقیه و اختیارات اجتماعی، قضایی و سیاسی فقهای امامیه آغاز نمود. به نظر وی، امامت همان ریاست است و همان‌گونه که سر، به‌عنوان فرمانده بدن، کار تنظیم و هماهنگی اعضای بدن را انجام می‌دهد؛ رئیس یک جامعه نیز مسئول نظارت، تنظیم و هماهنگی جامعه و تدبیر امور آن است. شیخ طوسی در خصوص تولی یا پذیرش مناصب حکومتی در حکومت عدل و جور چنین فرمودند که، پذیرفتن منصب از جانب سلطان عادل و حاکمی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، جایز بوده و مورد تکریم است و حتی در مواردی امکان دارد واجب شود و آن صورتی است که شخص پذیرنده منصب از امر به معروف و نهی از منکر روی برگردانده و رفتار عادلانه در آن منصب را رعایت نکند.

شیخ معتقد است: هرگاه برای مردم، راهنما و سروری یافت شود که در کار گشاده‌دست باشد، آنان را از آنچه باید نکنند باز می‌دارد و زورمندان را از ستم بر ناتوانان جلوگیری می‌کند و ستمگران را به جای خود نگه می‌دارد. پس در بودن امر، نیکی‌ها بسیار می‌باشد و تباهی‌ها کم می‌شود. بعد از پذیرش دین و تدین به آن، شرط دیگری نیز مدنظر قرار می‌گیرد و آن این‌که امام باید عالم دین هم باشد؛ یعنی به مجموعه احکام دین، آگاهی داشته باشد که البته این شرط نیز، شرط عقلی است. (مشکوه‌الدینی، ۱۳۵۸: ۲۴۵).

۳-۶- خواجه نصیرالدین طوسی

از دیدگاه خواجه، در سیاست مبتنی بر شرع، جامعه به سوی غایات مهم و هدفمند سوخت داده می‌شود. در این صورت نفس انسانی، ظرفیت بیشتری برای برخورداری از فیض علوی پیدا می‌کند و به سوی کمالات متعالیه مدنظر رهنمون می‌شود. خواجه نصیر، حوزه‌های سیاست را شامل سیاست نفس، سیاست منزل، سیاست جامعه می‌داند. وی در تبیین حوزه سوم یعنی سیاست جامعه می‌گوید: شهر و مدینه را از افراد بسیار مختلف در جهات مختلف با انگیزه‌های بسیار متفاوت تشکیل داده و ایجاد می‌کنند که اگر تدبیر مناسب در چنین اجتماعی نباشد، تقابل و تعارض انگیزه‌ها، به هرج و مرج و ظلم و تعدی منجر می‌شود. لازمه تدبیر و سیاست در پیشگیری چنین نابسامانی‌هایی سه چیز است؛ ۱- ناموس (قانون) ۲- حاکم (دولت) ۳- دینار (قدرت مالی) (طوسی، ۱۴۱۳: ۲۵۲).

۴- عصر فقه‌های قدیم

دوره پیش رو از لحاظ سیر روند مسیر فقه شیعه حائز اهمیت بالایی است زیرا در این دوره آنچه بیشتر به چشم می‌خورد بسط و گسترش فقه سیاسی شیعه توسط فقه‌های عرب زبان و غیر ایرانی است. به صورت چشم‌گیری شیوه‌های تولید و نحوه اعمال قدرت سیاسی در این دوره بیشتر مورد نظر قرار گرفت و همچنین اختیاراتی فراتر از امور حسبیه نیز در خصوص مردم و اعمال قدرت فقه سیاسی بر مردم در دست فقیهان قرار گرفت. در حقیقت استیفای بخشی از حقوق مردم از سمت حاکمین به فقها سپرده شد.

۴-۱- علامه حلی

علامه حلی از فقیهان فعال در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی بوده و به سبب داشتن این جایگاه در تاریخ فقه حکومتی اسلام به شهرت رسید. علامه در کتاب "منتهی‌المطلب" به مباحثی نظیر امر به معروف و نهی از منکر و جهاد مسلمانان پرداخت که از جمله مباحثی است که بیشترین فروع در آن به چشم می‌خورد. علامه حلی کلیه اختیاراتی را که شیخ مفید و سایر فقه‌های دوره پیش برای جایگاه فقیه قائل بودند را پذیرفته بود، به جز اقامه نماز جمعه از سوی شخص فیه که در اقامه آن احتیاط نمودند. ایشان در کتاب مذکور در خصوص جواز و عدم جواز معامله با سلطان جائز و اخذ جوایز او و دیگر مسائل سیاسی مباحثی مطرح نموده‌اند. همچنین در کتاب قواعد الاحکام، مباحث اجتماعی، حکومتی و قضایی و مسائلی مربوط به آن را بیان داشته و سایر مسائل جامعه و حکومت اسلامی را به تفصیل مورد بررسی قرار داده است. (صلواتی و منتظری، پیشین)

۴-۲- محقق حلی

محقق حلی از بزرگان فقهای شیعه به دلیل جامعیت فضائل عملی و علمی و تحقیقات عالیه فقهی، برای اولین بار در بین فقهای شیعه به لقب محقق ملقب شد. به طوری که اگر بدون قید به کار رود تنها به ایشان انصراف دارد. (گرچی، ۱۳۹۸: ۲۳۰). محقق همانند بسیاری از فقها در ابتدا به ضرورت تشکیل حکومت می‌پردازد، از نگاه وی تشکیل حکومت ضامن و دربردارنده سلامت جامعه است؛ زیرا اجتماع به دلیل تضاد منافع افراد با یکدیگر همواره در معرض نزاع و درگیری قرار دارد. ایشان در تمام آثار خود از شیوه حکومت و ولایت عادلانه حاکم سخن گفته و معتقد است حکومت اگر بر پایه عدالت و برای امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شود در هر صورتی حکومت عدل خواهد بود و تشکیل این حکومت از طرف فقیه امری است واجب که باید بدان عمل کند.

۴-۳- شهید اول

محمد بن مکی، معروف به شهید اول. فقیه بزرگوار محمد بن مکی رئیس و امام شیعه، سرسلسله محققین بزرگ با تمام وجود برای مکتوب نمودن قوانین حکومتی و فقه سیاسی اسلام تلاش نموده است. (قمی، ۱۳۹۲: ۳۷۸) شهید اول با یک دلیل عقلی، ضرورت وجود قانون و رهبر را در جامعه به اثبات می‌رساند. از نظر وی گرایش به جامعه و اجتماع از ضرورت‌های زندگی انسانی است و انسان‌ها همیشه در پی تشکیل اجتماع‌اند و در پی این تمایل، طبیعتاً به دنبال منافع فردی خویش نیز هستند؛ بنابراین منافع فردی انسان‌ها با یکدیگر تزاخم پیدا کرده و زمینه نزاع و درگیری را ایجاد می‌کند. (مکی و حکیم، ۱۳۹۸: ۳۶). شهید اول معاصر با انحطاط و زوال گرایی حکومت بنی‌عباس و پیدایش برخی حکومت‌های محلی شیعی بوده و تنها مرجع و مجتهد بزرگ آن عصر نام گرفته است. شهید اول در زمانی که تحت نظر و مراقبت حکومت جائر دمشق بود، کتاب ارزشمند "اللمعه دمشقیه" را نوشت. اهمیت این کتاب از آن جهت است که به عنوان دستورالعمل شرعی برای مردم خراسان نوشته شد تا وظیفه مرجعیت و فقاقت با رهبری و سیاست را انجام داده باشد و به همین جهت در تاریخ فقه اسلام، عملاً نقطه اوج و عطفی را به وجود آورد. (صلواتی و منتظری، ۱۳۸۷: ۳۶).

۵- فقهای عصر متأخر

نخستین دوره‌ای که اقلیت شیعه توانست به اکثریت حاکم در جامعه تبدیل شود دورای فقه‌های متاخر است. در این دوره حکام شیعی قدرت را در دست گرفتند و متوجه این مهم شدند که برای اداره جامعه اسلامی و قدرت گرفتن حکومت فقهی می‌بایست از عالمان آشنا به قوانین شرعی کمک گیرند منتها مشکل این بود که اکثر فقه‌های شیعه در مرکزیت عراق و لبنان سکونت داشته و باید برای اداره بهتر حکومت عدل می‌بایست فقیهان در سرتاسر حکومت اسلامی پراکنده شوند تا اهداف حکومت به بهترین شکل عملی شود. با وجود تلاش‌های فقها در این دوره نیز شاهد رساله‌ای مستقل در خصوص ولایت فقیه بر جامعه اسلامی نیستیم.

۵-۱- شهید ثانی

شهید ثانی، از فقه‌های بزرگ و متبحر امامیه می‌باشد که در سخت‌ترین شرایط توانسته است تألیفات علمی بسیاری از خود به یادگار بگذارد. به نظر شهید ثانی منشأ و خاستگاه حکومت، حاکمیت الهی است و بر این اساس حکومت‌ها را تقسیم‌بندی می‌کند. با این معیار حکومت‌ها به مشروع و مطلوب یعنی حکومتی که معیار و ملاک آن حاکمیت الهی است و نامشروع و نامطلوب یعنی حکومتی که این معیار در آن وجود ندارد، تقسیم می‌شود. (قمی، ۱۳۹۲: ۱۵۲) وی حکومت پیامبر و حکومت علی و ولایت فقها را از مصادیق حکومت مطلوب برشمرده و معتقد است که شریعت نیازمند نگرهبان و یاری‌دهنده در رساندن احکام به مکلفین است. شهید در کتاب مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام می‌فرماید: مراد از کسی که دارای حق النیابه است، فقیهی عادل بوده که شرایط اجتهاد و فتوا دادن را داراست. چنین شخصی نایب امام زمان و منصوب از جانب امام عصر است. شهید ثانی به وجوب تخییری نماز جمعه در عصر غیبت فتوا داده و اقامه آن را از شئون ولی فقیه برشمرده است. (صلواتی و منتظری، ۱۳۸۷: ۴۱).

۵-۲- علامه محمدباقر مجلسی

علامه محمدباقر مجلسی، از علمای بزرگ شیعه است که علاوه بر پرداختن به جنبه عمومی فقه، در عرصه فقه حکومتی و دخالت در امور سیاسی و حکومتی عصرش، نقش فعالی داشته است. وی با اعتقاد به اینکه انسان موجودی مدنی بالطبع است، بر حیات اجتماعی مردم و ضرورت تشکیل حکومت برای تأمین نیازهای اجتماعی وی تأکید می‌کند. "ان الانسان مدنی بالطبع یحتاج بعضهم الی بعض فی التعیش و البقاء (مجلسی، ۱۳۹۶: ۱۱۲) حکومت را شأنی از شئون نبوت و امامت دانسته و علت نیاز بشر به نبی و امام را هدایت خلق می‌داند: بر وفق حکمت باید رسولان در میان او و خلائق باشند تا ایشان را دلالت نماید بر آنچه مصلحت ایشان در آن است و باعث نفع ایشان

است و راهنمایی کنند به چیزی چند که موجب بقای نوع ایشان می‌باشد و ترک آن مورث فنای ایشان است. (مجلسی، پیشین: ۹۶)

۵-۳- محقق اردبیلی

احمد بن محمد معروف به مقدس اردبیلی از فقهای والامقام شیعه در قرن دهم هجری می‌باشد. وی از فقهای بزرگی است که در تحقیق سرآمد. در حوزه اندیشه سیاسی و حکومتی وی از کسانی است که نظرات و دیدگاه‌های مؤثری دارد و از دو طریق عقل و نقل بر مباحث خویش استدلال می‌کند. ایشان در آثارش به این نکته تأکید می‌کند که انسان موجودی است مدنی بالطبع؛ بنابراین مجبور است با هم‌نوعان خود معاشرت داشته باشد و با آن‌ها حیات اجتماعی مشترکی تشکیل دهند؛ چون همه مردم مثل هم نیستند و مانند هم نمی‌اندیشند و هر یک از آن‌ها از فرهنگ‌ها و طوایف گوناگونی هستند. بین آن‌ها درگیری و نزاع رخ خواهد داد و فساد عالم را در برمی‌گیرد. برای اینکه انسان‌ها در اجتماع به چنین محذور و مشکلی برنخورند، نیاز به قانون دارند؛ قانونی که آن‌ها را از ظلم و فساد باز دارد و به آن‌ها مطابق مصالح و مفاسدشان، حس معاد و معاش را آموخته و تعلیم دهد. (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۷: ۸)

۶- دوره فقهای معاصر

پس از تثبیت قدرت حکومت صفوی، حاکمان این دوره بر مذهب شیعه و رسمی نمودن آن تکیه کردند، موضوعات مهمی مانند ولایت فقیه و حدود اختیارات حاکم، از مسائل مطرح شده در حوزه اندیشه سیاسی شیعه در این عصر بود؛ بزرگ‌ترین ثمره حکومت ۲۳۰ ساله صفویان، با تمام فراز و نشیب‌های خود، پایه‌گذاری یک تمدن پرافتخار اسلامی است؛ تمدنی که در تمام زوایای علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سرآمد بود. (پورامینی، ۱۳۸۳: ۲۰). فقه حکومتی اسلام در این دوران، شکوفایی فوق‌العاده‌ای داشته است لیکن باید گفت در دو قرن حاضر، به‌خصوص از زمان مشروطه، ما شاهد ظهور احیای دوباره اندیشه سیاسی شیعه هستیم که اوج آن را می‌توان با تشکیل حکومتی به نام جمهوری اسلامی توسط یک مرجع تقلید عالی‌رتبه، یعنی حضرت امام خمینی مشاهده کرد. حوزه‌های علمیه از کانون‌های مهم آراء و افکار سیاسی است و در دو قرن اخیر، عالمان دینی و مفاخر برخاسته از این حوزه، بانظریه پردازی و طرح دیدگاه‌های سیاسی خود، مکتب سیاسی اسلام را سامان بخشیدند. هرچند با کنکاش می‌توان بنیاد این مکتب را در عصر صفوی و قاجار جست. (پورامینی، ۱۳۸۳: ۹) اگر چه تبیین اندیشه سیاسی عالمان دینی قم، پیش از سال ۱۳۰۱ ه.ش،

صعب و دشوار است؛ لیکن شکل‌گیری و تأسیس حوزه علمیه در این سال، توسط آیت‌الله حائری و تحولات چشمگیر سیاسی قرن حاضر، زمینه طرح دیدگاه‌های سیاسی را فراهم آورد و با گسترش پایه‌های حکومت فقهی شاهد تشکیل حکومت ولایت فقیه به معنای امروز آن هستیم.

۶-۱- شیخ جعفر کاشف الغطاء

از عالمان برجسته و نام‌آور شیعه در قرن دوازدهم و سیزدهم است. شیخ جعفر کبیر، به سبب یکی از تألیفات مهم و ماندگارش در فقه به کاشف‌الغطاء معروف شد. ایشان فقیه‌ای آشنا به سیاست بوده است. وی علاوه بر اعمال برجسته سیاسی، دارای اندیشه‌هایی نوین در زمینه فقه حکومتی است. مبحث جهاد او در کتاب کشف الغطاء، یکی از بالاترین و بهترین آثار در مسائل فقه حکومتی اسلام است.

برخی از نظریات و اندیشه‌های او در فقه حکومتی اسلام، شامل موارد ذیل است:

۱. اعتقاد به اصل ولایت‌فقیه و حق بررسی او در امور سیاسی، نظامی و سایر شئون زندگی اجتماعی مسلمانان با عنوان نایب الامام
۲. انتقاد و تصریح به این مسئله که حاکم یا حکومتی که منصوب از جانب فقها و مأذون از جانب آنان نباشد، حکومتی دارای مشروعیت نیست.
۳. اعتقاد به التزام تأسیس حکومت اسلامی به دست فقیه جامع الشرایط. (صلواتی و منتظری، ۱۳۸۷: ۴۷).

۶-۲- صاحب جواهر

شیخ محمدحسن نجفی اصفهانی، از ارکان علمای امامیه و صاحب بزرگ‌ترین موسوعه فقهی به نام جواهر الکلام بوده که از مهم‌ترین منابع و مأخذ فقهی است. (گرچی، ۱۳۹۸: ۲۶۳). صاحب جواهر در یک تقسیم کلی، حاکمان را به دو دسته تقسیم می‌کند: عادل، جائر به نظر وی، مصداق حاکمان عادل پیامبر و ائمه معصومین و در عصر غیبت نیز فقیهان را به‌عنوان نایب امام و مصداق حاکم عادل معرفی کرده‌اند. در صورتی که حکومت و زعامت سیاسی جامعه در دست حاکمان عادل باشد، مردم موظف‌اند از آنان اطاعت کنند. و اگر حاکم عادل بر انجام کاری بگمارد واجب است بپذیرد. وی درباره پذیرش ولایت از جانب سلطان عادل، معتقد است

پذیرش ولایت در قضا یا سیاست یا جمع‌آوری مالیات یا دستگیری ناتوان‌ها و محافظت از اطفال، از جانب سلطان عادل یا نایب او نه‌تنها جایز نیست؛ بلکه اولی نیز خواهد بود. (نجفی، ۱۳۶۸: ۱۵۵).

۳-۶- شیخ فضل‌الله نوری

در سال ۱۲۵۹ قمری در روستای لاشک در منطقه کجور مازندران، ملاً عباس کجوری از روحانیون صالح و متعهد مردم، صاحب فرزندی شد و او را فضل‌الله نام نهاد. فضل‌الله پس از پشت سر گذاشتن دوران کودکی به تحصیل علوم اسلامی روی آورد. تحصیلات ابتدایی را در بلد، مرکز منطقه نور آغاز کرد. پس‌از آن به تهران مهاجرت کرد و تحصیلات خویش را تا پایان دوره سطح در آنجا ادامه داد. سپس برای تکمیل دانش خویش به نجف اشرف هجرت کرد. او ولایت تصرف را از آن مجتهدان عادل می‌دانست و می‌گفت قوانین جاری در مملکت نسبت به نوامیس الهیه از جان و مال، عرض مردم، باید مطابق فتوای مجتهدین عدول هر عصری که مرجع تقلید مردم‌اند باشد. (رضوانی، ۱۳۶۲: ۶۹)

۶-۴- آیت‌الله مدرس

آیت‌الله سید حسن مدرس یکی از برجسته‌ترین شاگردان آخوند خراسانی و مرحوم سید کاظم یزدی صاحب عروه بود. مدرس یکی از چهره‌های برجسته در تاریخ فقه حکومتی اسلام است؛ هرچند در آثار فقهی و اصولی باقی‌مانده از ایشان، کتاب مستقلاً در خصوص فقه سیاسی یا فقه حکومت اسلامی یافت نمی‌شود. لیکن سیره عملی او به علاوه اندیشه‌ها و نظریات مکتوبی که از مجلس شورای ملی دوره دوم تا ششم از ایشان باقی‌مانده، میراث ارزشمندی در تاریخ‌گذاری اسلامی و فقه حکومتی اسلام به حساب می‌آید. (رضوانی، ۱۳۶۲: ۵۵) ایشان در یکی از نطق‌های خود چنین فرمودند که منشأ سیاست ما دیانت است. ما با تمام دنیا تا زمانی که به اندیشه‌های حکومتی ما اعتراض نکنند دوستی داریم. هر شخصی معترض ما بشود، معترض او خواهیم شد. همین مذاکره را با صدراعظم شهید عثمانی کردم و گفتم اگر کسی بدون اجازه ما وارد سرحدات کشورمان ایران شود و قدرت داشته باشیم او را با تیر می‌زنیم.

۶-۵- آیت‌الله سیستانی

ایشان متولد ۱۳۴۹ قمری، خاندان او سادات حسینی می‌باشند که در عهد صفوی در سیستان می‌زیستند. سلطان حسین صفوی، جدّ اعلامی او سیدمحمد را به منصب شیخ‌الاسلامی در سیستان

منصوب کرد. لذا با خانواده‌اش به آنجا منتقل شدند و سکنی گزیدند. آیت‌الله سیستانی می‌فرماید: ولایت در آنچه به اصطلاح فقها، امور حسبی خوانده می‌شود، برای هر فقیه‌ی که جامع شرایط تقلید باشد، ثابت است. و اما ولایت فقیه در امور عامه که نظم جامعه اسلامی بر آن‌ها متوقف است، برای فقیه ثابت است؛ مشروط به تأمین شرایطی، هم در شخص فقیه و هم در شرایط به کار بستن ولایت؛ از جمله مقبول بودن نزد مؤمنین.

۶-۶- امام خمینی

رهبر کبیر انقلاب امام خمینی، بزرگ‌ترین عالم و فقیه شیعی است که تفکر سیاسی شیعه را عینیت بخشید و حکومت اسلامی را در جهان معاصر برپا کرد. ایشان برای نخستین بار و پس از حکومت معصومان، امام به‌عنوان فقیه جامع‌الشرایط، آمیختگی سیاست و دیانت را با ایجاد حکومت اسلامی عینیت بخشید و ولایت فقیه را معنا بخشید. (پورامینی، ۱۳۸۳: ۷۵) در دیدگاه امام، محرک اساسی انسان در حرکت‌های مختلف، چیزی جز انجام وظیفه الهی نیست، حتی حکومت کردن: "اساساً حکومت کردن و زمامداری در اسلام یک تکلیف و وظیفه الهی است که یک فرد در مقام حکومت و زمامداری، گذشته از وظایفی که بر همه مسلمین واجب است، یک سلسله تکالیف سنگین‌تری نیز دارد که باید انجام دهد. (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۸۸).

اصولاً امام، حکومت را یک وسیله و نه یک مقام معنوی می‌دانست و تصدی آن را، به دست آوردن یک وسیله می‌شمرد؛ زیرا حکومت اگر مقام معنوی بود، کسی نمی‌توانست آن را غصب کند یا رها سازد. امام خمینی در تعریف سیاست می‌فرماید: مگر سیاست چیست؟ روابط حاکم و ملت، روابط بین حاکم و سایر حکومت‌ها، جلوگیری از مفاسدی که هست، همه این‌ها سیاست است.

۶-۷- آیت‌الله شهید مطهری

آیت‌الله شهید مطهری در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی در فریمان متولد شد، در سال ۱۳۱۶ راهی حوزه علمیه قم شد. در مدت ۱۵ سال اقامت، با تلاش خستگی‌ناپذیر علمی از فضلالی نامی حوزه به شمار آمد. استاد، فصل پر فراز و نشیب زندگی خود را در تهران با فعالیت‌های گسترده علمی آغاز کرد. او نخست در مدرسه مروی به تدریس کتب فلسفی پرداخت، سپس زمینه حضورش در دانشکده الهیات دانشگاه تهران فراهم آمد. (پورامینی، ۱۳۸۳: ۴۶). او در تبیین اختیارات حاکم اسلامی می‌نویسد: حکومت اسلامی در شرایط جدید و نیازمندی‌های جدید می‌تواند با توجه به اصول و مبانی اسلامی، سلسله مقرراتی وضع نماید که در گذشته موضوعیت نداشته است.

۶-۸- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای

رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای فرزند مرحوم آیت‌الله سید جواد حسینی خامنه‌ای در ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸ در مشهد مقدس چشم به دنیا گشود. ایشان مدتی عازم عتبات عالیات شد و چون پدر موافق قامت او در آنجا نبود، به ایران برگشت. ایشان از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۳ هجری شمسی در حوزه علمیه قم به تحصیلات عالی در فقه و اصول و فلسفه مشغول شد. و از محضر آیت‌الله بروجردی، امام خمینی، حائری یزدی و علامه طباطبایی استفاده کرد. در سال ۱۳۴۳ به دلیل کسالت پدر به مشهد برگشت و در محضر آیت‌الله میلانی شرکت می‌کرد. جرقه‌های انگیزش انقلاب اسلامی در ایشان نخستین بار به‌وسیله نواب صفوی در سال ۱۳۳۱ زده شد؛ با آغاز مبارزات امام خمینی از سال ۴۱ وارد میدان مبارزات سیاسی شد و ۱۶ سال تمام، با وجود فراز و نشیب‌های فراوان و شکنجه و تبعید و زندان مبارزه کرد. با دقت در مجموعه سخنان و پیام‌های ایشان، مفاهیم سیاسی نو را می‌توان یافت که رهبری با تحلیل و تبیین آن، حرکت انقلاب اسلامی را برای ساخت تمدن بزرگ اسلامی در قرن حاضر، امیدبخش و رو به رشد دانسته‌اند؛ مواردی چون جنبش تولید علم، مردم‌سالاری دینی و مشروعیت نظام سیاسی، عدالت و عدالت‌خواهی، آزادی اجتماعی و اصلاحات، نمونه بارز و آشکاری از فکر و اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای است. رسیدن به تمدن اسلامی پاسخ به چستی خط کلی نظام اسلامی، چشم‌اندازی است به آینده نظام که رهبر انقلاب رسیدن به تمدن اسلامی را به‌عنوان خط کلی نظام عنوان کردند. اگر شما به بلندگویان تمدن کنونی غرب، مراجعه کنید آن‌ها خواهند گفت: تمدن غرب ابدی است، تغییرناپذیر است. از اوایی که این تمدن اوج گرفته بود؛ همواره بحث تعارض سنت و مدرنیته را مطرح کردند، در حقیقت چنین پیامی دارند که تمام آنچه که این تمدن تقدیم بشریت می‌کند، چیزهای نو و تازه، اجتناب‌ناپذیر یا جذاب و خواستنی است.

هر چه در مقابل آن است، سنت است و منسوخ شده، قدیمی و زوال‌پذیر است. رهبر معظم ورود تمدن اسلامی در این مقطع را لازم دانسته زیرا عقیده دارند، با همان شیوه‌ای که تمدن‌های بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و برکات خود یا صدمات خود را به آن‌ها برسانند، تمدن اسلام هم می‌تواند این فرآیند پیچیده و طولانی و پرکار را بپیماید و به آن نقطه برسد.^۱

^۱ بیانات رهبری، در اجتماع اساتید و فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه قم: ۱۳۸۹/۸/۲۴

ایشان در خصوص جنبش تولید علم می‌فرماید: مگر ذهن و استعداد و قدرت فکری ما از کسانی که امروز دویست سال در دنیای علم پیشتازند، کمتر است؟ می‌بینید که کمتر نیست، آن‌ها از لحاظ علمی دویست سال از ما جلوترند، این گناه پادشاهان است، گناه نظام دیکتاتوری است، گناه خاندان پلیدی است که بر این کشور حکومت کردند، کنار خاندان پهلوی است. همین احساسی که امروز من و شما داریم و باید در این کشور حاکم می‌بود، یک روز که آن را دیدند، خفه کردند؛ چرا خفه کردند؟ چون روسای این کشور، دست‌نشانده‌های همان قدرت‌های بودند که نمی‌خواستند این کشور این‌طور حرکت و رشد کند.^۱

نتیجه‌گیری

با بررسی آراء و نظرات فقهای شیعه این امر مشخص شد که اساساً حکومت اسلامی یک ابزار برای اعمال قدرت سیاسی محسوب می‌شود. به تعبیری، برای اعمال قدرت سیاسی در جوامع اسلامی نیاز به حکومت اسلامی می‌باشد. از منظر فقهای تشیع، قدرت سیاسی از طریق حکومت اسلامی برای رسیدن به اهدافی خاص اعمال می‌شود. این اهداف عبارتند از: احیای مظاهر و نشانه‌های اسلام اصیل، اصلاح و بهبودی در وضع مردم، مبارزه با ستمگران جهت تأمین امنیت برای مردم، فراهم ساختن بستری مناسب برای عمل به احکام اسلامی دانست. که این مهم را در نظرات اکثر فقها به‌وضوح دیده می‌شود. در واقع قدرت سیاسی در چهارچوب اندیشه فقهای شیعه، ابزاری برای تأمین رفاه مردم و نه ابزاری برای اعمال تفوق و برتری فرد یا گروهی بر سایرین می‌باشد. اندیشه فقهای شیعه در ادوار زمانی مختلف، متفاوت بوده است. در تقسیم مراحل و ادوار تاریخ فقه، از ابتدای غیبت امام عصر تا پایان عصر شیخ طوسی را عصر فقهای اقدم نام‌گذاری کردند و از عصر شیخ طوسی تا انتهای عصر علامه حلی، و شهید اول را نیز به‌عنوان عصر فقهای قدیم عنوان‌گذاری کرده‌اند. پس از شیخ طوسی باب اجتهاد اسماً باز بود، و لیکن در عمل هیچ‌گونه اجتهاد واقعی از نوع اجتهاد فقهای اقدم صورت نمی‌گرفت. با گذشت تمام مراحل و با رسیدن به دوران اوج و شکوفایی حکومت فقه سیاسی اسلام و یا ولایت فقه، نخستین حکومت مبتنی بر ولایت در ایران تشکیل شد و این نظریه که قرن‌ها در کتابها محبوس شده بود در نهایت به بار نشست. امام خمینی به‌عنوان اولین بنیانگذار حکومت ولایت فقیه در جهان با دلائل عقلی ضرورت وجود چنین حکومتی را مطرح نموده و بدان پاسخ داده است. ایشان پس از اثبات ضرورت وجود

^۱ بیانات رهبری در دیدار جوانان و دانشجویان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷

همچین حکومتی در جامعه بهترین گزینه برای تصدی حکومت را فقه عادل و جامع شرایط معرفی کرده و تاکید دارد هر کسی که معتقد به جدایی دین و سیاست است نه دین را شناخته و نه سیاست را میشناسد. امام خمینی در مبحث امر به معروف و نهی از منکر فقیهان را نایبیت امام زمان معرفی کرده و اجرای سیاست و مسیوولیت را بر عهده ایشان نهاده است. در نهایت امام خمینی نظر بر این دارد که هر چند در زمان غیبت امام زمان شخص خاصی برای حکومت تعیین نشده است لیکن از آنجا که حکومت اسلامی حکومت قانون خداوند است حاکم اسلامی باید دارای دو شرط باشد. نخست اینکه علم به قانون داشته و در ثانی عدالت را بشناسد که هر دوی این شروط در فقیه جامع شرایط جمع است. پس تمام اختیاراتی که برای رسول و امامان در نظر گرفته اند برای فقیه نیز ثابت است. از مجموع سخنان امام خمینی و استدلالات ایشان میتوان چنین برداشت که نظریه ولایت فقیه برخاسته از اندیشه الهی است که ریشه در قرآن و سنت دارد. ولایت فقیه ولایتی است مردمی که به خواست مردم بر فقیه جامع الشرائط واجب شده و می‌بایست عهده دار آن باشد. در نتیجه، مفهوم قدرت سیاسی و اعمال آن، از منظر فقهای تشیع می‌تواند در راستای مفهوم حکومت قانون و عناصر آن تحلیل شود. مفهوم حکومت قانون یکی از مفاهیم مبنایی و اساسی در عالم حقوق محسوب می‌شود. به طور کلی مقصود از حکومت قانون این است که کلیه روابط تابعان حقوق و آثار آن باید به موجب مقررات و قوانین خوب تنظیم شوند. مفهوم حکومت قانون دارای پنج عنصر اصلی است که عبارتند از: دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی؛ جزمیت حقوقی و قابل پیش‌بینی بودن؛ تناسب؛ برابری و عدم تبعیض؛ و شفافیت. به نظر می‌رسد در چهارچوب رویکرد فقهای تشیع، عناصر حکومت قانون در چهارچوب مفهومی قدرت سیاسی قابل تحلیل و پذیرش می‌باشند.

فهرست منابع

- ۱- پور امینی، محمداقبر، «مکتب سیاسی قم: نگاهی به اندیشه سیاسی عالمان قم»، نشر زائر آستانه مقدس، ۱۳۸۳.
- ۲- حسینی قائم‌مقامی، سید عباس، «قدرت و مشروعیت»، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۳- دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، «ادیان الهی و فرق اسلامی»، بی‌جا، بی‌نا.
- ۴- دهخدا، علی‌اکبر، «فرهنگ دهخدا»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

- ۵- راغب الاصفهانی، حسین بن محمد، «مفردات فی الفاظ القرآن»، تهران: انتشارات آراس، ۱۳۹۶.
- ۶- رجایی، سید مهدی، «تحقیق»، رسایل الشریف المرتضی، قم، نشر دارالقرآن، ۱۴۰۵.
- ۷- رضوانی، هما، «لوايح شيخ فضل الله نوري»، تهران، نشر تاريخ ايران، ۱۳۶۲.
- ۸- شهيد اول، محمد بن مكي، (محقق) حكيم، سيدمحسن عبد الهادي، «القواعد و الفوائد»، قم، مكتبه المفيد، ج ۱، نشر مجمع ذخائر اسلامي، ۱۳۹۸.
- ۹- صحراگرد، مجيد، «مطالعه طرح ريزي استراتژي ملي انرژي ج.ا.ا. در افق ۱۴۰۴»، دانشگاه عباسپور، ۱۳۸۶.
- ۱۰- صلواتي، محمود، منتظري، حسينعلي، «مباني فقهی حکومت اسلامی»، ج ۱، انتشارات سرائي، ۱۳۷۸.
- ۱۱- طوسی، نصیرالدین، «تجريد الاعتقاد»، با تصحيح آيت الله حسن زاده آملی (همراه با كشف المراد)، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳.
- ۱۲- عمید زنجانی، عباسعلی، «فقه سیاسی»، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱.
- ۱۳- فرمانیان، مهدی، «آشنایی با فرق تشیع»، قم، انتشارات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷.
- ۱۴- قائم مقامی، شاهرخ، «تحریم تنباکو در ایران»، تهران، شرکت سهامی انتشار کتاب های جیبی، ۱۳۷۹.
- ۱۵- قمی، عباس، «الکني و الالقاب، تهران، مكتبه الصدر»، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۹۲.
- ۱۶- گرجی، ابوالقاسم، «تاريخ فقه و فقهاء تهران»، نشر سمت، ۱۳۹۸.
- ۱۷- مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۶.
- ۱۸- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، «حدیقه الشیعه»، تصحيح حسن زاده، صادق، زمانی نژاد، علی اکبر، قم، نشر انصاریان، ۱۳۷۷.
- ۱۹- مشکوه الدینی، عبدالمحسن، «تمهید الاصول»، تهران، انتشارات انجمن حکمت و فلسفه ی ایران، ۱۳۵۸.
- ۲۰- موسوی خمینی، سید روح الله، «صحیفه امام»، ج ۴، نشر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- ۲۱- نجفی، محمدحسن، «جواهر الکلام، به تحقیق: علی آخوندی»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.